

نسل تجاوز

(مستند)

“Generational abuse”

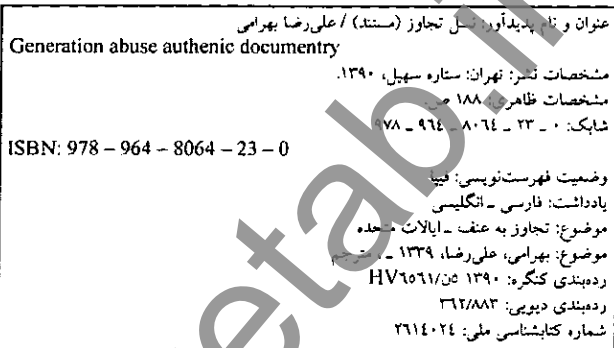
Authentic documentary

علی رضا بهرامی

مترجم برگزیده در بیستمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

(اردیبهشت ۸۶)

تهران - دی ماه ۱۳۹۰



انتشارات ستاره سهیل

نسل تجاوز (مستند)

علی رضا بهرامی

چاپ: لیتوگرافی و چاپ همای شهر

طرح جلد: آتلیه شرکت رسانه امروز

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰/۰۰۰ ریال

نشانی: خیابان مطهری - خیابان مهرداد - پلاک ۳۱ - واحد ۹

تلفن: ۰۹۱۲۲۹۰۲۷۳۱

پیشگفتار

همانند اغلب شما خوانندگان محترمی که ممکن است در نگاه اول، انتخاب عبارت «نسل تجاوز» به عنوان اسمی که نمی توان به سادگی آن را به رفتار موروثی حاکم بر اتحاد جامعهای نسبت داد - خود نیز بر این باورم که بدون ارائه دلایل محکم و مستند، پذیرش آن نه مقدور است و نه از سر انصاف و اعتدال.

و نیز پیشاپیش اعتراف می کنم که برای اثبات صحت «چنین انتسابی» باید از شعارزدگی پرهیز نموده و بسیار متقن نوشت.

تردیدی نیست که امروزه «شرایط فرهنگی» حاکم بر اکثر قریب به اتفاق جوامع صنعتی و برخی از کشورهای در حال توسعه، بخصوص پس از ورود به دهه های اولیه ی هزاره ی سوم، به گونه ای است که نمی توان فقط و فقط از طریق بیان و ارائه ی نمونه هایی از رخدادهایی که ممکن است در بسیاری از جوامع کنونی، بویژه در مغرب زمین، رخ دهد کلیت جامعه ای را زیر سؤال برد، چه رسد به تعمیم آن به نسلی و او را «نسل تجاوز» و محصول «تعرض» نامیدن.

از سویی دیگر، واقعیت انکارناپذیر وجود «مغایرت‌های فرهنگی» بین ملل گوناگون و تنوع عقاید، باورها و افکار آنها مقوله‌ی مهم دیگری است که اگر به درستی و به جای خود مورد توجه قرار نگیرد، پذیرش عنوان یادشده را مشکل‌تر می‌سازد، زیرا ممکن است مخاطب چنین استدلال نماید که:

«بسیاری از هنجارها و ناهنجارهای جوامع متناسب با فرهنگ و باورهای حاکم بر آنها ارزیابی می‌شوند و نقد چنین عواملی در هر جامعه‌ای باید مستقل از باورها و فرهنگ خاص دیگر ملل صورت گیرد و چه بسا رفتارهایی که در جامعه‌ی مبدأ هنجار و در نزد آحاد آن مورد قبول، ولی در جامعه‌ی مقصد ناهنجار شناخته شوند و پذیرفتنی نباشند و بالعکس.»

در زبان انگلیسی نیز مانند فارسی ضرب‌المثل معروفی است که می‌گوید: "Straws tell which way they will blows"، به این معنی که «مشت نمونه‌ی خروار است». هر چند واقعیت آنست که اساساً ضرب‌المثل‌ها ریشه در باورهایی با پشتوانه‌های غنی تجربی دارند و می‌توان در بسیاری از موارد با تمسک به آنها زمینه‌هایی برای استدلال‌های مد نظر مهیا نمود، ولی بیان مستند پدیده‌های اجتماعی و اثبات پایداری آنها رابطه‌ای مستقیم با تعداد فراوانی مصادیق و غلبه‌ی آنها بر استثنائات دارد و صرفاً ارائه‌ی مواردی از رخدادهای مشابه و احیاناً بزرگ‌نمایی آنها، نمی‌تواند دلیلی بر تعمیم موضوع به فرهنگ کلان آحاد جامعه باشد.

به عبارت دیگر، کم نیستند مقوله‌هایی اجتماعی که در آنها «مشت نمونه‌ی خروار نیست».

اعمال نظرات و دیدگاه‌های شخصی نیز از جمله آفاتی هستند که قادرند فرآیند مستندنویسی را تصنعی نموده و آن را از مسیر بیان واقعیات دور نماید.

مماوه رابطه‌ای قوی و مستقیم بین مستندنویسی و لزوم توجه به امانت‌داری وجود دارد، بنحوی که هنگام مستندنویسی باید وقوف کامل داشت که ما صرفاً نقش واسطه‌ای بین رخدادهایی کاملاً واقعی با مخاطبین مختار در پذیرش یا رد آن‌ها را ایفا می‌نماییم و در مقام مثال به سیمی می‌مانیم که موظف است جریان الکتریسته را از منبع تغذیه الکتریکی، بدون افت ولتاژ جریان به مصرف‌کننده‌ی آن منتقل کند و همانگونه که سیم هادی جریان الکتریسته با وجود آنکه حامل نیروی برق می‌باشد نه منبع انرژی محسوب می‌گردد و نه مصرف‌کننده‌ی آن، مستندنویس نیز نه «بود» سند است و نه «فهم» مخاطب و نه در مقام قضاوت.

کتابی که پیش رو دارید مستندی است موضوعی حول محور مقوله‌ی «تعرض نهادینه‌شده و تجاوز گسترده در جامعه‌ی آمریکا» که تا سرحد امکان تلاش شده بجز در مواردی نادر و در مواقع ضروری که برای ممانعت از پراکندگی مطالب احساس نیاز می‌شده، هیچگونه مطالب مورد استنادی خارج از جراید معتبر، نشریات پرتیراژ و سایت‌های پُربسامد خبری ایالات متحده‌ی آمریکا در آن درج نگردد، بنحوی که می‌توان ادعا نمود تمامی مطالبی که در بیان نظرات در این نوشتار نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند، عیناً به نقل از متون اصلی و ترجمه‌ی منابع مذکور ارائه گردیده است.

نام کتاب نیز برگرفته از تعبیری است که نویسنده‌ای آمریکایی در توصیف خویش از جامعه‌ای که در آن به فعالیت مطبوعاتی می‌پردازد، بکار برده است، آنگاه که نوشته بود:

«... ما شاهد آن هستیم که نسل سوءاستفاده [در آمریکا] از مادر بزرگ‌ها که روزگاری جوان بوده‌اند، آغاز و پس از در بر گرفتن مادران به دختران منتهی می‌گردد و از سویی دیگر تعداد بسیار زیادی از پسران و مردان را مشاهده می‌نماییم که مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند».

... we see generational abuse starting with grandma (as a younger person), then mom and then the daughter. Now we see a lot of boys and young men coming forward that were sexually assaulted ...

ناگفته نماند که حین بیان مصائب و در صفحات میانی با هدف برقراری ارتباط بین رخدادهای مکرر مستند با رفتارهای نهادینه‌شده و به انگیزه‌ی حصول نتیجه‌ای مشخص از طریق بیان برخی نظریه‌های رایج زیست‌شناسی، تلاش شد تا در حد بضاعت، علل استمرار و نهادینه شدن ناهنجاری‌های مورد بحث و تداوم آن‌ها مطابق قوانین شناخته‌شده‌ی ژنتیک - فرضیه‌ای نیر ارائه گردد.

مقدمه

در آغاز ذکر چند نکته ضروری بنظر می‌رسد:

۱ - در این نوشتار بجز یک مورد آن هم از سر بیان اثرپذیری و نقش ریشه‌های فرهنگی ملل در مقابله با تهاجمات و وارداتی، به هیچ وجه جامعه یا دیدگاه خاصی با جامعه‌ی آمریکا و ساختار فرهنگی آن مورد مقایسه قرار نگرفته است.

۲ - ملاک انتخاب وقایع و رخدادها حوادث گذرا و نادر نبوده است و همچنین واحد اجتماعی معیار سنجش فراوانی‌ها در آن‌ها نیز افراد و حتی خانوار نبوده‌اند، بلکه در مراحل اولیه انتشار وسیعی از جامعه‌ی آمریکا همچون دانشجویان، پلیس، مهاجرین... و سرخپوستان به عنوان واحد معیار سنجش میزان فراوانی‌ها در نظر گرفته شده است و پس از ارائه‌ی تجزیه و تحلیل آمارهای منتشره توسط منابع ملی معتبر آمارهای ملی آن کشور به استناد گزارشات مراجع رسمی نقل گردیده است.

۳ - در صفحات پیش‌رو تلاش شده که از درج رخداد‌های موردی و خرد خودداری و وقایعی که در سطح کلان جامعه‌ی آمریکا قابل تعمیم بوده‌اند، استفاده گردد.

۴ - در سال‌های اخیر روشنفکران آمریکایی هرازگاهی در زمینه‌ی افزایش بی‌رویه‌ی ناامنی زنان و کودکان جامعه‌ی خویش حول محورهای ذیل هشدار داده و مقالاتی در زمینه‌ی لزوم توجه جدی به آسیب‌های اجتماعی بهان و آشکار در جامعه به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند که در جای خود ارائه خواهند شد. اغلب چنین هشدارهایی به استناد مواردی از قبیل مجرهای زیر صورت گرفته است:

الف - کاهش شدید فاصله زمانی وقوع حوادث غیر اخلاقی:

همانگونه که در صفحات پیش‌رو ملاحظه خواهید نمود، آمار و نحوه‌ی وقوع تعرضات نامعارف در جامعه‌ی آمریکا، بویژه پس از آغاز هزاره‌ی سوم، با قبل از آن بسیار متفاوت بوده است. با نگاهی بر تاریخ گزارشات تعرضات متداول و رسانه‌ای شدن وقایعی که در اوایل دهه‌ی دوم سال ۲۰۰۰ اتفاق افتاده بود، بخوبی می‌توان دریافت که چنین رویدادهایی به مراتب بیش از حوادث مشابه قبل از سال ۲۰۰۰ بوده و فاصله‌ی زمانی بین آن‌ها بطور چشمگیری کاهش یافته است.

ب - گسترش آن‌ها در اقشار گوناگون و عمیق‌تر شدن نوع جرائم و افزایش درخور توجه تعداد قربانیان تعرضات:

تا قبل سال ۲۰۰۰ چنین مواردی معمولاً در میان اقشار مینی از جامعه رخ می‌داد و تعداد قربانیان تجاوز نیز محدودتر بودند، ولی به تدریج روشنفکران برجست، ایالات متحده و ارباب جرایم با مشاهده‌ی آمار و ارقام و کیفیت اشاعه‌ی روزافزون ناهنجارهای جنسی و فراگیر شدن اقشار مختلف، رسماً هشدارهایی که نشان از جدی بودن موضوع داشت را رسانه‌ای نمودند که اوج آن‌ها را می‌توان در اظهارات ایام پایانی سال ۲۰۱۱ بخوبی دریافت.

ج - گرایش بیش از حد افکار عمومی به عادی شدن ناهنجارها و فراهم شدن مقدمات نهادینگی آنها بنحوی که بروز ناهنجاریهایی که در گذشته‌ای نه چندان دور موجی از حساسیت‌های اجتماعی را برمی‌انگیخت، به شدت به سردی میل می‌نمود.

تا قبل از اوجگیری و تعمیم کلان موضوع تعرض و ناامنی نسبتاً مطلق «زن، کودک و حتی پسران نوجوان» و انتشار آمارهای غیر قابل باوری که بعدها رسانه‌ای شد، اغلب اوقات وقوع حوادث برجسته‌ای چون سوءاستفاده از کودکان و رسوایی‌های مربوط به رفتارهایی نامتعارف و خاص با زنان و بر ملا شدن آمار و ارقامی در مورد آنها، حکایت از وجود لایه‌های زبرین می‌نمود و موجب عکس‌العمل جامعه می‌گردید، ولی رواج روزافزون آنها، بتدریج نه تنها پذیرش اجتماعی را بدنبال داشت، بلکه موجبات گرایش نسل جدید جامعه و بی‌تفاوتی آنان را فراهم نمود.